هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال چهاردهم – شمارۀ هجدهم ۱۰ اسد ۱۳۹۴ ۱۵ شوال المکرم ۱۴۳۶ 1 August 2015



نسل جوان ما از اندیشه ها و حرکت های افراطی و کارهای بی برنامه، پرهیز کنند.

از سخنان رهبر شهید

دانیل فیلدمن در دیدار با وزیر امور خارجۀ کشور، بار دیگر اعلام داشته است؛

کشورش از روند صلح به رهبری افغانها حمایت همۀ جانبه می نماید



محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجۀ کشور با نمایندۀ ویژۀ ایالات متحدۀ امریکا در امور افغانستان و پاکستان، آقای دانیل فیلدمن و معاون سفیر ایالت متحدۀ امریکا، آقای دیود لندوال، بتاریخ ۸ اسد سال جاری دیدار نمود.

دراین ملاقات طرفین روی وضعیت جاری کشور و روند صلح افغانستان بحث نمودند. آقای فلدمن در مورد سفر اخیر خود به پاکستان توضیحات لازم داده و یکبار دیگر حمایت همه جانبۀ کشورش را از روند صلح به رهبری افغان ها ابراز نمود. همچنان آقای فیلدمن در مورد نشستی در مورد افغانستان که قرار است در حاشیۀ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به میزبانی وزرای خارجۀ ایالات متحدۀ امریکا و چین برگزار شود، توضیحات لازم ارائه نمود.

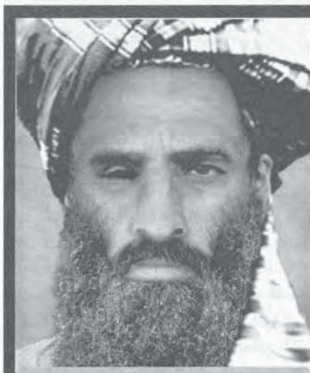
کنفرانس بین المللی در مورد افغانستان به ادامۀ نشست لندن قرار است در سال ۲۰۱۶ در یکی از کشورهای اتحادیۀ اروپا برگزار شود، نیز مورد بحث قرار گرفت. آقای فیلدمن از حمایت دراز مدت کشورش به افغانستان، اطمینان داده و اقدامات اخیر حکومت افغانستان در تقویت امنیت، رشد اقتصادی و حکومتداری خوب را یک نیاز جدی و حایز اهمیت دانست.

پیام صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی و وزیر امور خارجۀ کشور بمناسبت اولین سالگشت شهادت حشمت خلیل خان کرزی



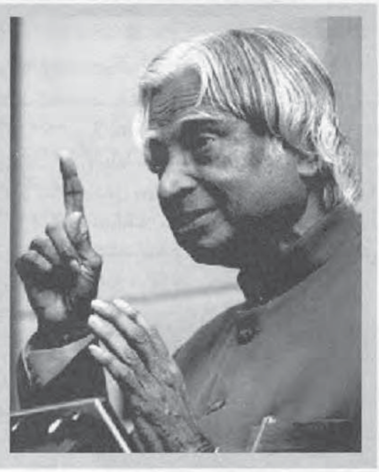
در اولین سالگشت شهادت روان شاد حشمت خلیل کرزی یکی از شخصیت ها و بزرگان مردمی در حوزۀ جنوب کشور، ضایعۀ نبود او را به خانواده و دوستدارانش، به ویژه برادر گرامی اش محترم حکمت خلیل کرزی که دوست و همکار خوبم در دستگاه دیپلوماسی کشور است، بار دیگر تسلیت عرض می کنم.

روان شاد حشمت خلیل خان از چهره های جوان و با نفوذ مردمی در کشور بود که آهسته آهسته ص۶



مرگ ملا محمد عمر و آیندۀ طالبان ص۲

ضایعۀ بزرگ!



عبدالکلام رئیس جمهور سابق هند بتاریخ ۶ اسد ۱۳۹۴ خورشیدی جهان فانی را وداع کرد و به ابدیت پیوست. آقای کلام به دلیل ایفای نقش برجسته در توسعۀ هسته ای و موشکی کشورش به «مرد موشکی» معروف بود. به گزارش خبرگزاری تراست هند، رئیس جمهور ۸۳ سالۀ سابق هند حین سخنرانی در موسسۀ مدیریت این کشور، ناگهان از حال رفت و پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد. پس از گذشت چند روز، هنوز علت مرگ وی مشخص نشده است. موصوف در سال۱۹۳۱ میلادی در یک خانوادۀ فقیر در ایالت تامیل نادو در جنوب هند به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشتۀ مهندسی هوا فضا، اوایل دهۀ ۱۹۸۰ به برنامه های توسعۀ موشکی این کشور پیوست. سپس به عنوان مشاور علوم و فن آوری یکی از وزیران دفاع کشور هند در دهۀ ۱۹۹۰ مشغول فعالیت شد و نقش محوری را در آزمایش هسته ای ۱۹۹۸ هند ایفا کرد. وی یک انسان مسلمان و در یک خانوادۀ فقیر به دنیا آمده بود، به عنوان یازدهمین رئیس جمهور هند از سال ۲۰۰۲ تا سال۲۰۰۷ خدمت کرد.

جمعیت اسلامی افغانستان، تسلیت عمیق خویش را بخاطر درگذشت رئیس جمهور اسبق هند ابراز می کند. و ضمن اینکه، مرگ او را ضایعۀ بزرگ می داند، خود را در این غم شریک دانسته از خداوند رحیم برای متوفا فردوس اعلی و برای بازمانده گانش صبر جمیل می خواهد.

وزارت اطلاعات و فرهنگ در نظر دارد تا؛

فعالیت رسانه های اجتماعی را قانونمند سازد

● عنایت

وزارت اطلاعات و فرهنگ در نظردارد فصلی را در قانون رسانه های همگانی بگنجاند تا به فعالیت رسانه های همگانی کنترل داشته باشد. هارون حکیمی سخنگوی این وزارت در گفتگو با هفته نامۀ مجاهد تأیید کرد که پس از مشوره و رایزنی با اعضای کمیسیون رسانه های همگانی و نماینده گان اتحادیه های ژورنالستان، بالای این طرح، کار خواهند کرد.

قرار است روز دوشنبۀ هفتۀ جاری نشستی به همین منظور برگزار گردد. سخنگوی وزارت اطلاعات فرهنگ می گوید: هدف این رویکرد، جلوگیری از خود سری‌ها و هتاکی هایی است که توسط برخی کاربران شبکه های اجتماعی بالای افراد حقیقی و حقوقی صورت می گیرد.

در همین حال خیلی‌ها به این باور هستند که به این بهانه وزارت اطلاعات و فرهنگ قصد دارد تا شبکه های اجتماعی را سانسور نماید. این نگرانی در حالی مطرح می شود که سانسور از لحاظ قانونی منع بوده و هیچ مرجع و نهادی حق ندارد آزادی بیان را محدود سازد. اما آقای حکیمی می گوید: وزارت اطلاعات و فرهنگ به این بهانه قصد ندارد، سانسور را اعمال کند، بلکه قصد دارد، با عملیاتی



شدن چنین طرحی، حریم خصوصی افراد از تعرض مصوَن بماند. طی سال های اخیر، قدرت شبکه‌های اجتماعی به طور افزونی افزایش یافته است. ص۲

در قاچاق کودکان هم، پیشتاز! ص۲

بند سلما و آیندۀ روشن ولایت هرات ص۳

د هیواد امنیتي وضعیت ورځ تر بلې له پوښتنې لاندې!! ۴مخ

آیا توافق هستۀ ایران و امریکا، به نفع افغانستان است؟ ص۵

معضلۀ دیورند! ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

در قاچاق کودکان هم پیشتاز!

به گزارش وزارت خارجهٔ امریکا، افغانستان در قاچاق کودکان و نوجوانان به مقام دوم دست یافته است. در کشور جنگ زدهٔ افغانستان اطفال قاچاق می شوند، به فروش می رسند و از اطفال در مواردی مختلف بهره گیری صورت می گیرد. اطفال در کشور به کارهای شاق و تعدادی در روی جاده ها به تکدی می پردازند. وزارت خارجهٔ امریکا در گزارش خویش گفته است که این کار یکنوع آگاهی برای دولت مردان افغانستان است و موجب شرمساری این کشور نیست.

طی سال های اخیر، خانواده های زیادی به نا کجا آباد های سرزمین های دور و نزدیک سفر می نمایند و خود را تسلیم قاچاق بران بین المللی می نمایند که از سرنوشت آنها خبری نیست. این اطفال به قاچاقبران فروخته می شوند و این دزدان ماهر، کودکان را به اهداف گوناگون به کشور های دور و نزدیک قاچاق می نمایند. تعدادی در گرو تروریستان قرار می گیرند و بعد از شستو و شوی مغزی دوباره به این کشور می فرستند، تا اعمال تخریب کارانه را انجام دهند.

بی مورد نیست تعداد کسانی که خود را در داخل افغانستان انفجار می دهند و تعدادی را به قتل می رسانند، هنوز سن قانونی خویش را تکمیل نه نموده اند. تشتت و پراگنده گی در خانواده ها و نبود کار سالم و آبرومند موجب می گردد که خانواده ها یکجا به اطفال خویش کشور را ترک نمایند و به سوی یک آیندهٔ مجهول و نا معین سفر نمایند.

در حالی که افغانستان در سال ۱۹۹۴م عضویت کمیسیون دفاع از حقوق کودک را به امضا رسانده است که ۱۵۳ کشور جهان عضویت آن را دارد. به اساس گزارش حقوق بشر و سازمان های بین المللی ۳۸ درصد از کودکان به کار های شاق از جمله کار در کشت زار های مواد مخدر، در جاده ها، کوچه و بازار و سایر کار های شاق می پردازند.

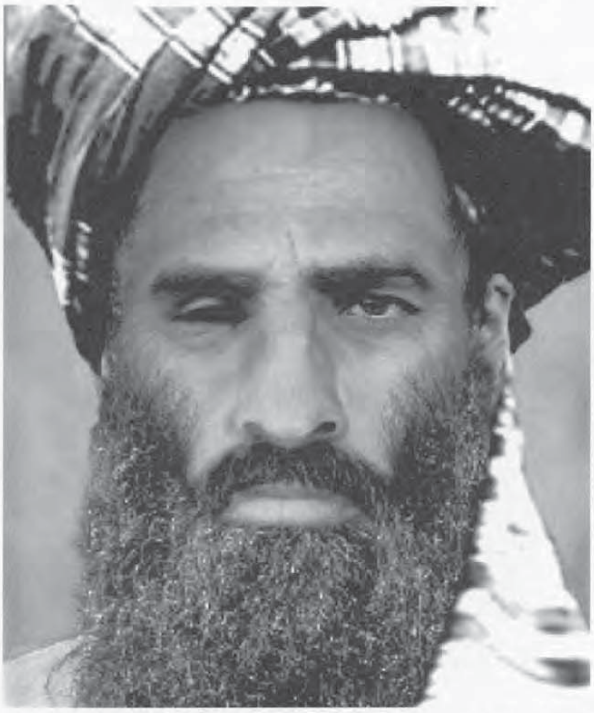
امروز یک رقم درشت از کودکان به مواد مخدر معتاد اند و میلیون ها کودک از آموزش و پرورش محروم اند. آمار جهانی نشان می دهد که ۳۲۵ میلیون کودک در جهان مصروف کار های شاق می باشند که حدود صد میلیون آن در کشور های افغانستان، امریکای لاتین، آسیا و آفریقا قرار دارند که افغانستان در میان کشور های جهان، در درجهٔ بالایی قرار گرفته است.

افغانستان در ردیف کشور های است که مرگ و میر کودکان بین ۲،۵ درصد است. سالانه صد ها کودک در نتیجهٔ جنگ ها کشته می شوند و رقم تلفات و مصیبت های کودکان طی سال های اخیر نه تنها کاهش نه یافته است؛ بلکه مشکل کودکان به یک تراژیدی جهانی تبدیل شده است. بعد از حکومت وحدت ملی، سی درصد سرمایه گذاری های خارجی و داخلی کاهش یافته است و مردم می خواهند از کشور خود فرار نمایند. گفته می شود روزانه در حدود ۳۵۰۰ خانواده جهت اخذ پاسپورت به آن اداره مراجعه می نمایند. معلوم است که هدف این مراجعین فرار از افغانستان و حیات بد سیاسی و اقتصادی می باشد که در این میان کودکان بیشتر متضرر می گردند.

در صورتی که به این اوضاع سیاسی و اقتصادی خاتمه داده نشود تمام لایه های جامعه؛ به ویژه اطفال و نوجوانان ازآن متضرر خواهند گردید. از جانب دیگر بسیاری از کودکان و نوجوانان نان آوران خانواده های خویش اند و این خود بافت اجتماعی و سالم آیندهٔ افغانستان را متضرر خواهد ساخت؛ زیرا اطفالی که باید از حقوق خویش بهره مند گردند و شامل آموزش و پرورش و مهارت های مسلکی گردند، به کار های شاق و طاقت فرسا می پردازند که آیندهٔ افغانستان را نگران ساخته است.

مرگ ملا محمد عمر و آیندهٔ طالبان

ابوبکر سبزوار



قاری حمزه سخنگوی گروهی بنام محاذ فدائی اعلام نموده بود که ملا محمد عمر رهبر طالبان در قید حیات نیست. او دو سال قبل بدست دو تن از یاران خودش به قتل رسیده است. وی در این رابطه از ملا اختر محمد منصور و گل آقا اسحاق زی نام برده است.

رحیم الله یوسفزی ژورنالیست پاکستانی که رابطهٔ نزدیک با آی اس آی دارد در یک تحلیل حتی مدعی شده بود که در مورد جانشین ملامحمد عمر نیز مذاکرات در جریان است و ممکن است پسر وی مولوی یعقوب جانشین پدر گردد.

سرانجام طالبان هم تائید کردند که رهبر شان وفات یافته اما در اعلامیه ای که به این مناسبت به نشر سپردند در مورد زمان مرگ وی چیزی نگفته اند.

روز پنجشنبه شورای رهبری طالبان در جای نامعلومی تشکیل جلسه داد و ملا اختر محمد منصور را بحیث جانشین ملامحمد عمر تعیین کرد. انتظار می رفت که در این نشست در مورد دو سال پنهان کاری در مورد افشای خبر مرگ رهبر طالبان صحبت شود و در مورد اعلامیه ها و پیام هائی که در طول این مدت، بنام وی صادر شده است، بحث های تندی صورت گیرد. چون ملا اختر محمد منصور در این مدت سررشته دار امور طالبان بوده است، وی شاید مورد انتقاد قرار گیرد اما چنین نشد. شورای رهبری طالبان با اکثریت آراء، ملا اختر محمد منصور را بحیث امیرالمؤمنین تعیین کرد. آیا همه اعضای شورای عالی طالبان در طول بیش از دوسال گذشته از مرگ رهبر شان اطلاع داشتند و همه کارها در طول این مدت ناشی از یک تصمیم جمعی بوده است؟

ملا محمد عمر در یک شورای دو هزار نفری از علمای دین و شخصیت های داخلی و خارجی بحیث امیرالمؤمنین برگزیده شده بود اما در مورد ملا اختر محمد منصور چنین نشد اما به وی نیز عنوان امیرالمؤمنین داده شده است. به نظر می رسد که این کار جنبهٔ سیاسی نیز دارد. وی باید با ابوبکر بغدادی هم طراز باشد.

خبر کشته شدن ملامحمد عمر زمانی به نشر می رسد که قرار بود دور دیگر از مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و طالبانی که پاکستان به میز مذاکرات حاضر می نمود روز جمعه در اسلام آباد از سر گرفته شود. این خبر برای پاکستان نیز خبر خوشی است زیرا این خبر بهانه ای بود تا مذاکرات صلح را به تعویق اندازند زیرا برای یافتن طالبان و کشاندن شان به پای میز مذاکرات به مشکل برخورده بودند.

پاکستان که از ابتدای تاسیس دفتر قطر با این دفتر و اعضایش مشکل داشت، می خواست تا این دفتر را از اعتبار ساقط نماید اما طالبان بار دیگر تاکید بر نقش کلیدی دفتر قطر بر مذاکرات صلح نموده و گفتند، از مذاکراتی که قرار است در ۳۱ جولای برگزار گردد، اطلاعی ندارند.

از سال ۲۰۱۰ و بعد از دستگیری ملا برادر، ملا اختر محمد منصور بحیث معاون ملا محمد عمر جانشین ملا برادر شد و این حقیقت را باید در نظر داشت که در طول دو سال که از مرگ ملامحمد عمر می گذرد، طالبان قدرتمند تر شدند و مناطق بیشتری را حتی در شمال افغانستان تحت کنترول خود درآورده اند. در بخش سیاسی هم طالبان پیروزی هائی بدست آورده و در مجامع بین المللی شرکت کردند، اکنون شایعاتی در مورد امکان انشعاب در صف طالبان بگوش می رسد. سوال عمده اینست که آیا رهبر جدید خواهد توانست طالبان را همچنان بصورت یک پارچه حفظ نماید؟

وحدت طالبان ناشی از وحدت رهبری و باور آنان به رهبر شان بود که از دید آنها، اصل (بیعت) به آن مشروعیت می بخشید و طالبان مدعی اند که با رهبر جدید نیز اکثریت فرماندهان طالبان بیعت کرده اند اما بعضی از رسانه ها از اختلافات درونی بعد از این انتخاب خبر می دهند.

با این تحول به نظر می رسد که پاکستان همچنان با طالبان مشکل خواهد داشت زیرا پروسهٔ سیاسی ساختن طالبان توسط ملا اختر محمد منصور آغاز شد و همین مسئله موجب نگرانی پاکستان بود. اکنون دفتر قطر همچنان بعنوان یک مشکل فرا راه پاکستان باقی خواهد ماند.

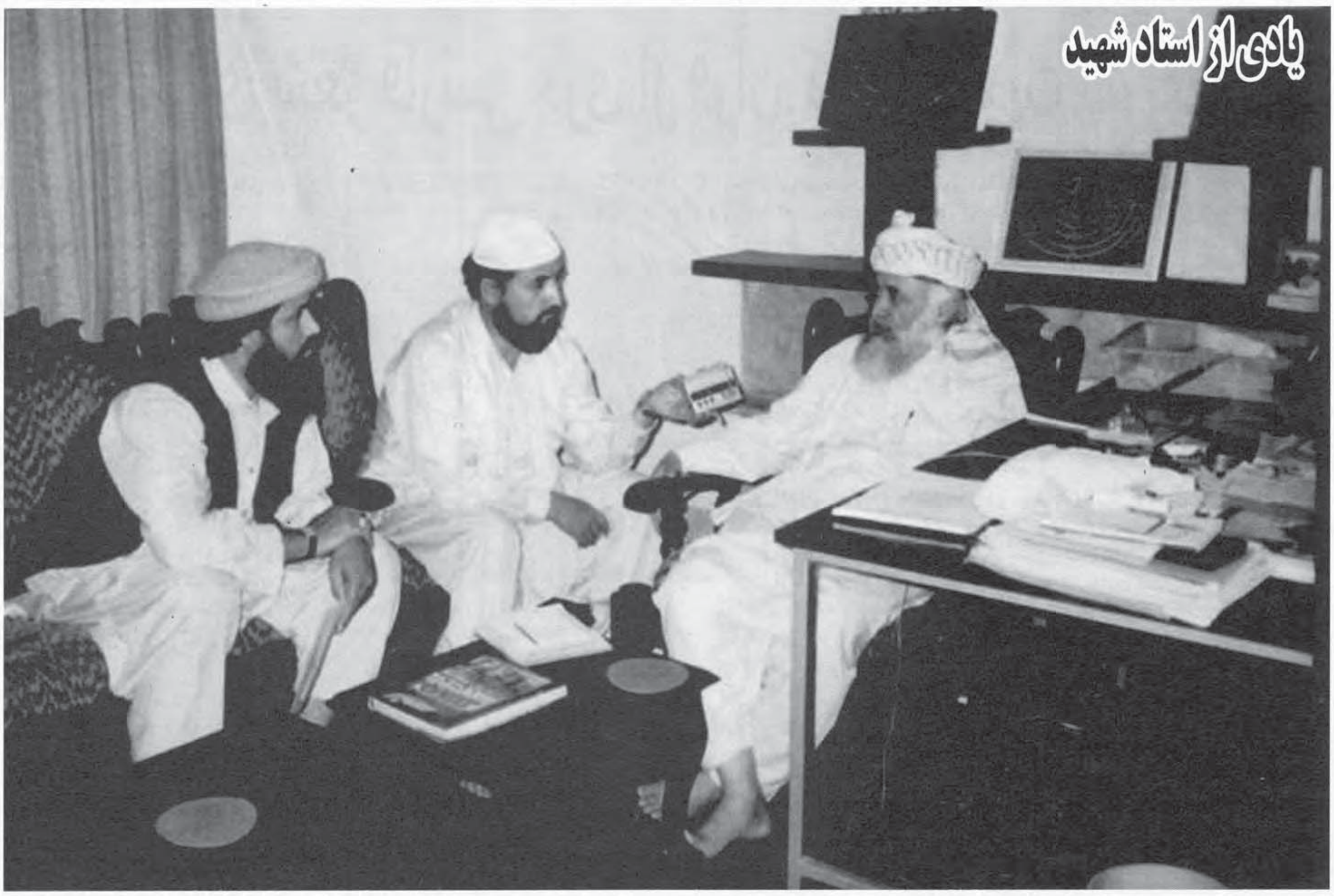
اما اگر پاکستان بتواند بخشی از طالبان را از بدنهٔ اصلی آنان جدا سازد، خواهد توانست آنها را به پروسهٔ صلح با دولت افغانستان شامل سازد اما آیا چنین کار ممکن خواهد بود؟ هنوز مدت کوتاهی از بیعت با امیر جدید گذشته است و هفته های بعد به این پرسش پاسخ خواهد داد.

وزارت اطلاعات و فرهنگ...

چندی پیش مؤسسهٔ (نی) حمایت کنندهٔ رسانه های آزاد از هفتهٔ رسانه های اجتماعی در کابل تجلیل کرد. در حال حاضر هزار ها تن از جوانان اعم از پسر و دختر در کشور از شبکه های اجتماعی به ویژه فیسبوک استفاده می کنند. یکی از خوبی های شبکه های اجتماعی این است که بدون واسطه و سانسور اطلاع رسانی صورت می گیرد، چیزی که در دیگر رسانه های همگانی وجود ندارد.

از ویژه گی های دیگر رسانه های اجتماعی این است که این رسانه ها مستقل هستند. در حالی که رسانه های دیگر مانند تلویزیون، رادیو و رسانه های چاپی، وابسته هستند و در نشرات خود، هم خود سانسوری را رعایت می کنند و هم جانب دارانه نشرات می کنند. دلیل عمده و اصلی تأثیرگذاری رسانه های اجتماعی در مستقل بودن، به سرعت عمل نمودن و هم غیر جانب دارانه بودن آنها است. ممکن کاربری در برخی موارد سلیقه های فردی خود را اعمال کند، آما روی هم رفته از این که با منابع قدرت و پول وابسته نیست، اعتماد کسب می کند و اینگونه موارد کمتر دیده شده است.

یادی از استاد شهید



استاد شهید در حال مصاحبه با دکتور خلیل هدف مدیر مسوول مجلهٔ وزین عربی (المجاهدون) ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان — سال ۱۳۷۰ هجری خورشیدی – پشاور

بند سلما و آیندهٔ روشن ولایت هرات

■ وحید مژده

سرانجام پس از ده ها سال انتظار، بند بزرگ سلما بر فراز هریرود به مرحلهٔ آبگیری رسیده و روز یکشنبه ۴ اسد آبگیری در این بند آغاز گردید. کاسهٔ این بند ۲۰ کیلومتر طول و ۳ کیلومتر عرض دارد که می تواند ۶۴۰ میلیون متر مکعب آب را ذخیره نماید. طبق آمارهای رسمی، آب ذخیره شده در این بند ۷۵ هزار هکتار زمین لامزروع هرات را آبیاری خواهد کرد و ۴۲ میگاوات برق نیز تولید خواهد نمود.

کار بند سلما در دههٔ هفتاد قرن بیستم میلادی در زمان ریاست جمهوری داوود خان آغاز شد اما در اثر جنگ های بعد از کودتای کمونیستی در افغانستان، کار آن نیمه تمام باقی ماند. در زمان طالبان، کشور های ایران و ترکمنستان کار یک بند آبگردان به نام بند دوستی را در مرز مشترک میان خود شان آغاز کردند. در آن زمان طالبان به کشور های مذکور هشدار دادند که افغانستان بر فراز هریرود از سال ها قبل کار بند سلما را آغاز کرده است. بنا براین اگر در آینده با تکمیل کار بند سلما، بند دوستی بدون آب باقی بماند، دو کشور حق شکایت را نخواهند داشت. در آن زمان هیچ کس این احتمال را نمی داد که با توجه به مشکلات موجود در افغانستان، کار این بند در آیندهٔ قابل پیش بینی از سر گرفته شود.

از زمان تکمیل پروژهٔ وادی هلمند در دههٔ ۶۰ قرن گذشته یعنی در مدت بیش از نیم قرن، نفوس افغانستان به بیش از دو برابر افزایش یافت اما در طول این مدت نه تنها یک هکتار زمین بایر جدید آمادهٔ زراعت نشد، بلکه بخش بزرگی از زمین های زراعتی کشور به مناطق مسکونی مبدل گردید. به این ترتیب افغانستان که روزگاری از نظر محصولات زراعتی خودکفا بود، به کشور وارد کنندهٔ مواد غذائی مبدل شد.

بعد از سرنگونی رژیم طالبان، کشور هندوستان به تکمیل این پروژهٔ بزرگ زیربنائی افغانستان کمک کرد اما به دلایل مختلف بخصوص نا امنی، کار به درازا کشید. سرانجام با هزینهٔ حدود ۳۰۰ میلیون دالر کار اعمار این بند به پایان رسید که می توان آنرا هدیهٔ ارزشمند مردم هند به مردم افغانستان خواند.

مردم هرات از این تحول بسیار شادمان اند اما این نکته را باید در نظر گرفت که هنوز برای شادمانی زود است، زیرا تنها با ذخیره کردن آب در یک بند آبگردان، همه کارها به پایان نمی رسد، بلکه برای استفادهٔ بهینه از بند آب، وجود شبکه های منظم و مدرن آبرسانی برای آبیاری ضروری است که گاهی این گونه پروژه ها به اندازهٔ خود بند هزینه بر می دارد.

بعنوان مثال زمانی که افغانستان کار اعمار بند کجکی بروی رود هلمند را آغاز کرد، کمپنی امریکایی (موریسن کدنتسن) همزمان با ساختن بند، روی شبکه ای از کانال های آبیاری کار را آغاز کرد. حاصل این کار این بود که بخشی از پولی که برای بند اختصاص داده شده بود در کانال ها به مصرف رسید و کار بند نیمه کاره باقی ماند. در نتیجه دولت امریکا به خواست دولت افغانستان جواب مثبت داد و با کمک آن کشور، این پروژه به پایهٔ اکمال رسید.



استدلال مهندسین کمپنی موریسن در آن زمان این بود که اگر آب بند توسط شبکه ای از کانال ها به زمین های زراعتی نرسد، بند آب نفعی بحال مردم نخواهد داشت. اکنون در مورد بند سلما نیز همین مشکل وجود دارد. اگر در مدت یکسال آینده که مرحلهٔ آبگیری بند تکمیل می شود، شبکهٔ کانال های آبرسانی تکمیل و آمادهٔ انتقال آب به زمین های لامزروع نگردد، افغانستان مجبور خواهد بود تا بعد از پر شدن بند، آب مازاد را به همان مسیر قبلی هریرود بفرستد و فقط حاصل این مصرف بزرگ، ۴۲ میگاوات برق خواهد بود و بس. البته اگر تا آن موقع توربین های تولید برق نصب گردیده باشند.

با توجه به حاصلخیز بودن زمین های ولایت هرات، این بند آبگردان می تواند نه تنها انقلاب زراعتی را در هرات بمیان آورد بلکه تاثیر مثبت آن روی تمام حوزهٔ غرب و در مجموع تمام افغانستان قابل توجه خواهد بود. بخصوص هرات برای باغداری ظرفیت های بسیار مساعد دارد و در عین حال با توسعهٔ زمین های زراعتی، می توان فارم های مالداری و تربیهٔ گوسفند را که در ولایت هرات سابقهٔ طولانی دارد، بشکل عصری توسعه داد.

این نکته را نیز باید در نظر داشت که زیر آب آوردن زمین های جدید می تواند مشکلات جدید را بمیان آورد. زمین هائی که تا اکنون لامزروع و بی ارزش بودند، به امید اینکه در آینده زیر آب خواهند آمد، ارزش خواهند یافت و کشمکش بر سر تصاحب این زمین ها می تواند در آینده چالش برانگیز باشد.

باز هم به تجربهٔ گذشته برگردیم؛ ده ها سال قبل زمانی که پروژهٔ وادی هلمند به بهره برداری رسید، دولت وقت به توزیع زمین به کوچی ها و دهاقین بی زمین پرداخت تا مشکل کوچی ها را در کشور حل نماید. اما در کشور ما با توجه به مشکلات و نابسامانی های موجود، هنوز چنین اقدامی دور از تصور است و امکان فعالیت های غاصبین زمین در ولایت هرات کاملاً قابل پیش بینی است.

با همهٔ این مشکلات می توان پیش بینی کرد که این پروژهٔ زیربنائی بزرگ، آیندهٔ روشنی را برای هراتیان نوید می دهد. در آیندهٔ نه چندان دور، آب این بند برای انکشاف زراعت و برق آن برای توسعهٔ صنعت نقشی مهم در پیشرفت و ترقی ولایت باستانی هرات ایفا خواهد نمود و سطح اشتغال را در کشور بلند خواهد برد.

اثر پذیری شعر فارسی دری از قرآن کریم و حدیث شریف

قسمت ۲

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل



نمونه های زیادی در دیوان شاعران کلاسیک فارسی وجود دارد که یکنوع پیوند باریک با آیه های قرآن دارد، مثلاً در این ابیات حافظ:

من اگر خارم اگر گل چمن آرایی
که از آن دست که او می کشدم می رویم

حافظ در اینجا خود را گیاه پنداشته که در دست چمن آرایی هستی کاشته شده و آن گونه که او خواسته، رسته و بالیده است. این تصویر پیوند باریک با این آیهٔ قرآنی دارد (خدا شما را از زمین رویاند، مانند گیایی، سوره نوح: ۱۷). و ابیات دیگر حافظ بر این تفکر استوار می باشد:

مکن در این چمنم سرزنش به خود رویی
چنانکه پرورشم می دهند می رویم
خلق همه یکسره نهال خدایند
هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بکشن

و یا:

خنده و گریه عشاق ز جایی دگر است
می سرایم به شب و وقت سحر می مویم

خنده و گریه عاشق را از جای دیگر دانستن می تواند با این آیه قرآن پیوند داشته باشد (و اوست که می خنداند و می گریاند، نجم: ۴۳).

این بیت نظامی با این آیت پیوند آشکار دارد:

پی شاه اگر آفتابی کند
به هرجا که تابد خرابی کند

طوریکه هر لشکر شاهی دارد و شاه می تواند آبادی ها را به ویرانه ها تبدیل کند. این ابیات با این آیت پیوند دارد (شاهان چون به آبادی درآیند خرابش می کنند، نمل: ۳۴).

بهره گیری و اقتباس از آیات و احادیث، بیشتر در یکی دو بیت ظهور می یابد؛ اما شاعر از روی تفنن گاه هنر نمایی می کند و به شیوه التزام و لزوم مالایلزم همه بیت های سرودهٔ خویش را به زیور های از آیه و حدیث آذین می بندد و این آیه ها و حدیث در جایگاه قصیده می نشیند. سنایی را قصیده است بلند بالا در ۳۴ بیت که همه قافیه های آن را آیات قرآن کریم می‌سازد، مانند این ابیات:

ای منزه ذات تو عما یقول الظالمون (اسرا:۴۷)
گفت علمت جمله را مالم تکونوا تعلمون (بقره:۱۵۱)
چون منزه باشد از عیب ذات پاک تو
جای استغفار شان و هم یستغفرون (انفال: ۳۳)
امر امر توست یا رب با پیمبر در نبی
گفته ای آن ابرموا امرأ فانا مبرمون (زخرف: ۷۹)
گوش حس باطنم کر بادا اگر نشنوده ام
با ندایت ارجعی کل الینا راجعون (انبیاء: ۹۳)

مولانا را نیز غزلی است به همین وزن و قافیه که به گمان بسیار در سرودهٔ آن به قصیدهٔ سنایی نظر داشته است، چند نمونهٔ آن ذکر می شود.

بانگ آید هر زمانی زین رواق آبگون
آیت انا بنیناها و انا موسعون (ذاریات: ۴۷)
کی شود این بانگ را بی گوش ظاهر دم به دم
تائبون العابدون الحامدون السائحون (توبه: ۱۱۲)
نردبان حاصل کنید از ذی المعارج بروید (معارج:۳)
تعرج الروح الیه و الملائک اجمعون (معارج: ۴)

و همچنین این غزلیات مولانا در دیوان شمس که نه در جایگاه قافیه، بلکه در جایگاه گوناگون بیت ها آیات از قرآن کریم و حدیث شریف می نشیند.

مکن راز مرا ای جان فسانه
شنیدستی مجالس بالامانه
شنیدستی که الدین النصحیه
نصیحت چیست جستن از میانه

که در این جا مفهوم حدیث شریف که دین نصیحت است را بکار برده است.

چون لاتاسواعلی مافات گفته است
نمی ارزد به رنج دام و دانه (حدید:۲۳)

در اینجا نمونهٔ دیگری از یک قطعهٔ انوری با قافیه های قرآنی می آرویم.

یک نیم رخت و لست منکم ببعید
یک نیم دیگر إن عذابی لشدید (ابراهیم:۷)
بر گرد رخت نوشته یحیی و یمیت (ال عمران:۱۵۶)
من مات من العشق فقد مات شهید

د هیواد امنیتي وضعیت ورځ تر بلې له پوښتنې لاندې!!

زهیر



پداسې حال کې چې دولت او وسله وال مخالفین دواړه لورې د سولې په لورې هڅو کې پر مختګ کوي او دادی د اسلام آباد په مري کې د دواړو لوریو ترمینځه د لومړی ځل مذاکراتو وروسته د دوهم ځل لپاره په چین یا پاکستان کې د مذاکراتو تابیا نیول کیږي او دا وړاندوینې کیږي چې ښایې د مذاکراتو په دوهم پړاو کې په اوربند، د بندیانو په تبادلې او د ملګرو ملتونو تورلست څخه د طالبانو د یو شمیر نورو مشرانو نومونه په ویستلو باندې هم بحث وشي، خو ورسره سم ورځ تر بلې د هیواد په مختلفو ولایتونو او بیلا بیلو سیمو کې د حکومتي ځواکونو کنترول کمیږي او ډیرې سیمې د طالبانو او وسله والو مخالفینو په لاسونو لویږي؛ د جنوب وروسته په ختیځو ولایتونو لکه ننګرهار کې د داعش په نوم د نوې وسله والې ډلې چټک پرمختګ (چې په څوارلسو ولسوالیو کې یې نفوذ کړی)، دادی د شمالي ولایتونو حالت هم له ورته انجام سره مخ دی.

د کندز په ولایت کې د امام صیب او ارچی دښتې ولسوالیو وروسته (چې پکې وسله والو مخالفینو کنترول حاصل کړ او د مرکز تر یو کیلومترۍ پورې وسله وال مخالفین ورسیدل) دادی اوس د شمال په یو سرکې د بدخشان حالت ورځ تر بلې د طالبانو په ګټه بدلون مومی او په بل سر کې یې فاریاب او سرپل د ورته حالت سره مخ کیږي؛ د بدخشان په وردوج ولسوالۍ کې د طالبانو چټک پرمختګ او نږدې یوه نیمه میاشت وړاندې د ګڼ شمیر پولیسو په بیرحمانه توګه له وژل کیدو وروسته، ورځ تر امنیتي وضعیت خرابیږي او دادی ۱۰۷ تنه پولیس د خپلو ټولو جنګي مهماتو او وسلو سره لومړی طالبانو ته تسلمیږي او وروسته پولیس بیرته د طالبانو له خوا پریښودل کیږي؛ چې د طالبانو سره د جګړې او تسلیمیدو په اړه یې هم حکومتي او امنیتي مسوولین یوه خوله ندي؛ ځکه د ځینو په اند په جګړه کې نیول شویدی او مرکز ورڅخه طالبانو په جګړه نیولې دي او ځینې نور یې بیا سازش ګڼي؛ چې په لوې لاس د یاد مرکز قوماندان سره د خپلو ۱۰۷ تنو پولیسو طالبانو ته تسلیم شوی او مهمات او جنګي وسایل یې طالبانو ته سپارلي دي.

همدارنګه ورسره په یو وخت کې د سرپل ولایت په کوهستاناتو ولسوالۍ کې د طالبانو پرمختګ ددې لامل شوی چې د تیرې سه شنبې په ورځ ددې ولسوالۍ مرکز هم وروسته لدې چې قلعه شهر ونیولې شي، سقوط وکړي او ددې ولایت د ولسي جرګې غړې بیا ددغې ولسوالۍ سقوط د حکومت بې غوري ګڼي؛ ځکه د دوی په وینا له یو کال راهیسې دغه ولسوالي د وسله والو مخالفینو د محاصرې لاندې وه او سقوط یې یقیني وو خو دولت یې په اړه هیڅ اقدام ونکړ او د ولسوالۍ امنیه قوماندان له اتلس کسانو پولیسو سره یو ځای لا درکه دي.

بلې خوا ته د کندز په ولایت کې هم د خان آباد ولسوالۍ له سلو کلیو څخه اتیا کلي د طالبانو په کنترول کې راغلي دي او یوازې شپږ اوه کلي د دولت د ولقې لاندې پاتې دي. په فاریاب کې هم ورته وضع حاکمه ده او له همدې امله د ولسمشر لومړی مرستیال عبدالرشید دوستم سوګند یاد کړی چې د فاریاب له ولایت څخه به د وسله والو مخالفینو تر ورکولو پورې هلته په فاریاب کې پاتې شي، څو وسله وال مخالفین فاریاب ته نور ګواښ پیښ نکړي.

دا چې ولې پدې وروستیو کې وسله وال مخالفین دومره پیاوړی شوي؟ په هکله یې بیلا بیلې انګیرنې کیږي؛ ځینې دغه عمل په دولت کې د یو شمیر داسې کړیو شتون ګڼي چې په لوې لاس غواړي وسله وال مخالفین برلاسي شي او د ډیرو په اند ګڼ نور لاملونه هم شته دی؛ له یوې خوا په امنیتي ارګانونو کې ناسم مدیریت تر ټولو ستر لامل دی؛ چې په قول اردوګانو، لواګانو او کنډکونو کې او هم د امنیه قوماندانیو مسولیتونه په ولایتونو کې داسې خلکو ته سپارل کیږي چې مسلکي تجربه نلري او لامله یې امنیتي ارګانونه د سمې اداري وړتیا نشي ښودلی. او ځینې نور بیا په ټول هیواد کې په عامه توګه او په شمال کې په ځانګړې توګه د اربکیو په نوم باندې د ناقانونه وسله والو شتون ددې لامل ګڼي چې د دوی د نا سم چلند او د سیمې په خلکو باندې د خپلو غوښتنو د منلو لامله عام ولس نور تر پوزې راغلی دی او د دوی د مظالمو په نتیجه کې د سیمې خلک د وسله والو مخالفینو ملګرتیا ته اړ کیږي او د دولتي امنیتي ارګانونو او په ځانګړې توګه د اربکیو پر خلاف له طالبانو سره خواخوږي ښآیې؛ چې دغه حقیقت د هیواد په ګڼو ولایتونو او سیمو کې

۷مخ

آیا توافق هستهٔ ایران و امریکا به نفع افغانستان است؟

محمد حسین شریفی، استاد دانشگاه

پس از چند ماه تنش و چانه زنی میان قدرت های بزرگ جهان، سرانجام تفاهم نامه با ایران امضاء شد که بر اساس آن تعهدات دوجانبه صورت گرفت و یکی از موارد آن برداشتن تحریم های وضع شده علیه رژیم ایران است.

در ساعات اولیه، استقبال از آن بسیار گسترده بود و حتی بارک اوباما در سخنرانی خود از آن حمایت نموده گفت، در صورت ضربه زدن از سوی گنگره به این توافق نامه، از سوی وی ویتو خواهد شد، از طرف دیگر حسن روحانی رئیس جمهور ایران هر نوع انتقاد را



پذیرفتنی دانسته و اظهار داشت: (اجاره نمی دهد کسی به دروغ، به امید مردم صدمه بزند.)

اینکه مذاکرات مستقیماً زیر نظر رهبر مذهبی ایران و مشاروان وی صورت گرفته، و کوچکترین توافقی در زمینهٔ هسته ای بدون نظر آنها ناممکن بود، چنانچه در توافق قبلی لوزان (سویس)در باب مراوده با امریکا سخن گفت. اینکه این توافقات چه واکنش منفی و مثبت درسطح منطقه با خود به همراه داشته، جای بحث جداگانهٔ خود را دارد.

اگرچه در طی سیزده سال اخیر موضوع هستهٔ ایران به یک معضل پر تلاطم و پر تشنج در مناسبات بین المللی عرض اندام کرد، و بعد از افشای فعالیت های مخفی جمهوری اسلامی در جهت غنی سازی اورانیوم و گسترش سانترفیوژ ها از طرف مخالفان نظام در عرصهٔ بین المللی از طنز شروع شد، و ارجاع دوسیهٔ هستهٔ ایران به شورای امنیت مناسبات میان ایران و شش قدرت برتر جهان بیشتر از بیش متشنج شد. گرچه چندین بار باب مذاکره از طرف مقام های ایرانی مطرح شده بود، اما با بی تفاوتی از جانب غربی ها مواجه شد این درحالی بود که در آن زمان ایران ۱۲ هزار سانتر فیوژ در اختیار داشت، موضوع زمانی حادتر شد که سانترفیوژ های ایران از ۱۲ هزار به ۲۴ هزار افزایش یافت و این کشور دارای راکتور آب سنگین نیز شد، و به اتکا به نیروی خودی و حمایت کشور های چین و روسیه به این تکنالوژی دسترسی پیدا کرد.

دست یافتن ایران به این تکنالوژی به تعبیر غربی ها خطری جدی متوجه کشور های حوزهٔ خلیج فارس و بالاخص امنیت اسرائیل قلمداد شد.

توافق اولیهٔ ایران و گروه۱+۵ به رهبری امریکا برای لغو تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد از حجم غنی سازی اورانیوم و اطیمنان از عدم ساخت سلاح های هسته ای توافق نهایی در روز ها ی اخیر، همه چیز تغییر یافت.

بدین ترتیب که کشور های چین، روسیه، عربستان، ترکیه و اتحادیهٔ اروپا که تا اکنون سیاست خارجی و چرخهٔ اقتصادی خود را بر مبنای ضدیت با ایران و همسویی با امریکا تنظیم و تبیین کرده بودند؛ از ۲۴ سرطان به فکر تغییر بنیادی برای عقب نماندن از قافلهٔ توافق هسته ای ایران و امریکا افتادند.

اینجا سوال مطرح می شود، که نزدیکی ایران و امریکا چه پی آمد مثبت منفی می تواند بالای کشورما داشته باشد؟

وقتی حرف از دستگاه دیپلوماسی ضعیف قلب آسیا به میان می آید، بیشتر ضعف ها به سیزده سال گذشته بر می گردد، افغانستان می توانست از حضور نیرو های غربی در کشور خود و داشتن روابط بهتر به آنها و هم روابط خوبی که با دولت ایران داشت به یک میانجیگر خوب تبدیل می شد، و این کار می توانست منفعت زیادی در عرصهٔ سیاسی و اقتصادی نصیب کشور ما می کرد. که متاسفانه زمان گذشت و به جز یک سیاست خمود و جمود چیزی دیگر اختیار نکرد، و این میدان رقابت را کشور عمان از دست افغانستان ربود.

به هر حال، زمان گذشت دیگر برنمی گردد، پس از این توافق چطور می توان برای آیندهٔ افغانستان که با سیاست جهانی کشور های همسو با ایالات متحدهٔ امریکا از یکطرف، ایران با کشور های حامی آن از طرف دیگر در حال تغییر است، به یک دیپلوماسی فعال و پویا تبدیل کرد؟

نزدیکی ایران و امریکا می تواند منافع ملی افغانستان را در منطقه و فرامنطقه به صورت سلبی و ایجابی در موارد ذیل متاثر سازد.

۱– در سطح دوجانبه گسترش روابط ایران– امریکا در زمینهٔ استفاده از مواد صادراتی ایران که در گذشته ممنوع بود، افزایش یابد.

۲– این تفاهم نامه می تواند زمینهٔ گسترش فعالیت های اقتصادی ایران را در افغانستان مساعد سازد.

۳– افغانستان می تواند با استفاده از فضای دوستی بین دو کشور، سرمایهٔ گذاران ایرانی را در قسمت معادنِ جلب کند، و بستر سرمایه گذاری را بیشتر از پیش آماده سازد.

۴– با درنظرداشت اینکه افغانستان یک کشور زراعتی و اقتصاد آن وابسته به اقتصاد زراعتی است، ۶۳ درصد اراضی کشور را کوهستانی و ۱۲ درصد آن اراضی کشور قابل کشت می باشد. بناءً می توانیم با استفاده از گسترش مناسبات بین المللی ایران– امریکا از تجارب ایران در زمینهٔ شکوفا شدن اقتصاد زراعتی کشور استفاده نماییم.

۵– به تعداد دونیم میلیون مهاجر ما که درخاک ایران سکونت دارند. با اعمال تحریم ها، که تاثیرات خود را بالای زندگی مهاجرین داشت، با رفع تحریم ها و بهبودی روابط، بدون تردید به شرایط بهتر کار و معیشت دست خواهند یافت.

۶– با پایان یافتن تحریم ها در منطقه، بستر همکاری میان ایران، تاجیکستان، ازبیکستان و چین افزایش می یابد که براساس آن طرح های انکشافی، اقتصادی و ترانزیتی منطقه رونق بیشتر کسب می کند و افغانستان می تواند با موقعیت ص۷

ځنګه کولای شو خپل کوچنی ویده کړو؟

رنځوریار ډاکتر عتیق الله (حلیمی)

تر ټولو د مخه تاسو باید وپوهیږی چی ستاسو کوچنی د ورځی او شپی تر منځ فرق نشی کولای، د دوی معده یواځی هغومره غذایی مواد ذخیره کولای شی چی د ۴-۳ ساعتونو لپاره ورځخه استفاده وشی، د ژوند په لومړیو اونیو هم تاسو کولای شی چی ورته وښیی چی شپه د خوب لپاره ده او ورځ د لوبو لپاره او دا کار پدی ډول شونی دی چی د شپی لهوا ورته د شیدو دفعات کم کړل شی، ګروپونه خاموش کړل شی، او ډایپر یی هم د اوږدی مودی لپاره پرینښودل شی، د دی پر ځای چی کوچنی سره لوبی وکړی د شیدو خوړلو څخه یی وروسته په پر مخی وضعیت واچوی او وضعت ته یی تغیر ورکړی او همدارنګه که ستاسو کوچنی د ماسپښین لخوا له ۴-۳ ساعتونو څخه زیات ویده کیږی نو ویښ یی کړی او ورسره لوبی وکړی دا کار به له دوی سره مرسته وکړی چی خپل خوب شپی ته وساتی.

د خوب لپاره وضعیت

د ډیرو کلونو راهیسی د کوچنیانو لپاره خاصتا د ژوند په لومړیو څلورو میاشتو کی د خوب پر مهال پرمخی وضعیت توصیه کیږی او داسی فکر کیږی چی نوموړی وضعیت په هوایی لارو کی د غذایی موادو له داخلیدو څخه مخنیوی کوی. خاصتا په هغه مهال کی کله چی کوچنی کانګی وکړی او یا یی غذایی مواد خولی ته راشی. اګرچه آخری معلومات ښیی چی ستون ستاخ او یا په یو اړخ وضعیت د کوچنیانو لپاره توصیه کوی خو ددی وضعت لپاره ځینی استثنات شته چی په لاندی ډول دي:

۱- مخکی له وخته زیږیدلی کوچنیان
۲-هغه کوچنیان چی ډیر استفراقات لري
۳-هغه کوچنیان چی سوء شکل ولری
۴-ځینی نور حالات کچیری د کوچنیانو د متخصص لخوا وویل شی

باید وویل شی چی نوموړی وضعیت کوچنیانو ته له زیږون څخه تر هغه وخته چی خان په اړخ اړوی توصیه کیږی معمولا له ۷-۴ میاشتنی عمر کی.

هر څومره چی ستاسو د کوچنی عمر زیاتیږی په هماغه پیمانه



یی د معدی ګنجایش هم زیاتیږی او کولای شی د دوو غذاګانو په منځ کی زیات واټن تحمل کړي. همدارنګه له ٪۹۰ څخه زیات کوچنیان د ژوند په لومړیو ۳ میاشتو کی د شپی لخوا ۸-۶ ساعته ویده کیږی پرته لدی چی ویښ شی، د کوچنیانو ویښیدل پدی پوری اړه لری چی غذایی موادو ته یی اړتیا څومره ده. همدارنګه د غاښونو د راوتلو او نشونما په دوران کی یی هم غذایی اړتیاوی زیاتیږی او ډیر خله له خوب څخه راویښیږي. د وخت په تیریدو به پوه شی چی کوچنی څنګه ویده کیږی. نوی زیږیدلی کوچنیان د غږونو او اوازونو پواسطه ژر ویښیږی نو باید چاپیریل یی آرام وي او کله چی آرام آرام وښورول شي او یا مساژ شي بیرته ژر ویده کیږی ځینی کوچنیان د ګرخولو، خنګولو او یا هم د چوشک پواسطه ویده کیږی، ځینی نور بیا د موزون او آرام میوزیک او یا د منظمو ریتمیک آوازونو پواسطه ویده کیږی. همدارنګه د تی وي آرام غږ او میوزیک د کوچنیانو په ویده کیدو کی رول لری. ځینی نور مخرش غږونه لکه د سپي آواز، د تیلفون زنګ، برقی جاروب او نور.

داسی کوم خاص دلیل هم نشته چی کوچنی په زانګو کی محدود وساتل شی نو په هر حال کچیری وغواړو چی کوچنی مو ښه او ارام خوب ولری نو د کوچنی بستر او یا زانګو خپل خان سره نژدی کیږدی او په آرام آرام ډول یی وخوځوی نو سربیره پر دی چی ښه به ویده شي خپل خوب څخه با خوند هم واخلي.

معضلهٔ دیورند

به قلم: غلام رسول قرلق



دیری است با همسایه جنوبی خود برسر مالکیت مناطقی که آنرا در اختیار نداریم، دعوا داریم. مناطق جنجال برانگیز صعب العبوری که از طرف ولی نعمت همسایه از ما بزور گرفته شده و برایش تحفه داده شده است. اکنون ما سی میلیون نفوسیم و محتاج همه چیز، اما همسایه دوصد میلیون است و دارای همه چیز. ما همه مایحتاج روزمرهٔ خود را از همین کشور همسایه می آوریم، مواد خوراکه، البسه جات، مواد تعمیراتی و هر آنچه که نیاز آدمی زاد است و اگر این کشور همسایه سرحدش را بروی ما ببندد زندهٔ ما چپن و مردهٔ ما کفن نخواهد یافت. اما ما فقط در گفتار دعوا داریم که تا فلان منطقه ملکیت ماست. یا اینست که ما حرف زدن خود را نمی دانیم؟ و یا اینست که دیگران ما را تشویق به ایجاد تنش در منطقه می نمایند که تبعات نا ملایم آن بجان خود ما برمی گردد؟ و یا اینست که تیر در هوا رها می کنیم و دسترسی به هدف مهم نیست.

بهرحال این دعوی معضلهٔ دیورند است که سال های سال از ما قربانی می گیرد و هنوز دهانهٔ آتش فشان آن باز است تا سر های زیادی را از تن جدا کند. داعیهٔ پشتون و بلوچ حکومت های ظاهر خان و داود خان را خراب کرد. ده ها تن جاسوس آنسوی سرحد در مهمانخانه های دولتی سال ها لمیدند، پول های زیادی دریافت نمودند. مصارف زیادی انجام دادند و سرانجام تمامی محرمات اینجا را به پشاور و راولپندی و اسلام آباد انتقال دادند. دولت از مردم مخصوصاً باشنده گان شمال پول جمع کرد و بالای مردمان آنسوی دیورند سخاوتمندانه تقسیم نمود. زمین های حاصل خیز شمال و شمالشرق را برای آنها توزیع نمود تا حمایت آنها را بدست آورد که بدست آوردند. همین حالتی که اکنون در شمال است و به گفتهٔ دولتمردان به وزیرستان تبدیل شده است، به پاداش داعیه های دروغینی می ماند که سال ها ما را در گرو داشت.

طالبان از کجا نشئت کردند؟ و امروز داعشی ها از کجا به افغانستان آمده اند؟ آنهایی که دل شان به حال زار مردم بیچارهٔ ما می سوزد، می دانند دیورند دیگر آسیاب خون افغان هاست و اقوام آنسوی دیورند آسیاب با نانی که چرخش آسیاب خود را با خون افغان ها گوارا می دانند.

خوب است دوستانی که در مورد نقد و نظری داشته باشند، منطقی صحبت کنند و با استدلال دانشمندانه به بحث و تحلیل بنشینند تا اگر بتوانند راهی برای برون رفت از این دام بلا دریابند و یا این ملت را ازین ورطه نجات دهند.

مردم افغانستان رنج بی شماری را از همتباران خود در آنسوی دیورند می بینند. شاید مردم ما صحبت های اخیر جنرال اسد دُرانی سابق رئیس آی اس آی را از طریق رسانه ها شنیده باشند و قبلاً اظهار نظرهای جنرال حمید گُل رئیس دیگر اسبق آی اس آی و ده ها جنرال و سیاستمدار آنسوی سرحد را شنیده باشند که چه دید و نظری در مورد افغانستان دارند؟ و اگر ما دل به رفراندوم بسته ایم قبلاً اقوام آنسوی سرحد به رفراندوم رفته اند و به نفع پاکستان رأی داده اند و اگر ده بار دیگر– که یکبار آن هم متصور نیست– رفراندوم برقرار گردد، آنها به نفع پاکستان رأی خواهند داد.

چرا به نفع پاکستان؟ زیرا کشور آبادی که با جهانْ رابطهٔ دوستانه داشته وضعیت اقتصادی مناسبی دارد. مدرسه و مکتب و کارخانه و سرک و برق و فابریکه و... فعال دارد. دیگر او مگر دیوانه خواهد بود تا ازین نعمت ها سرپیچی نموده سر بی دردش را پر درد کند!؟ آنها چه که حتی تعداد زیادی از مردمان اینسوی سرحد ما شناختی کارْت های پاکستانی در جیب دارند و اگر می خواهید صحت و سقم این مسئله را دقیقتر بدانید علی الاقل در روزهای برگزاری انتخابات در پاکستان متوجه عبور و مرور ساکنان همتبار تان ازین سوی سرحد به آنسوی سرحد شوید!

شاید دولت و دولتمردان نسبت به مردم این واقعیت های تلخ را بهتر بدانند، زیرا بارها گفته اند که تروریست ها از آنسوی خط دیورند به داخل افغانستان می آیند. و زمانی شهادت محمد قاسم در سرحدات ننگرهار و شهادت ده ها سرباز دیگر در مناطق مرزی دیورند را شهادت در راه حفظ دین و وطن و سرحدات کشور دانسته اند. فقط مشکل آنها اینست که به یک حرف مفت گیر مانده اند و هراس از این دارند که نشود تاریخ فردا، ایشان را در جملهٔ برخی شاهان خائن گذشته قرار دهد. حالانکه همان هایی که منحیث حامی اینان به کشور ما آمده اند نیز این مرز را برسمت می شناسند و کشور پاکستان هم از وضعیت استفاده برده به پیشروی پوسته هایش در داخل خاک افغانستان ادامه داده محلات گشت و ترصد خویش را بر قله های مشرِف بر خاک افغانستان آورده اند، نقاطی که سال ها در دست نگهبانان سرحدی افغان قرار داشت و علاوه بران، مناطق زیادی را سیم خاردار گرفته و خندق کنده اند.

متاسفانه دولت افغانستان با وجودیکه از نفوذ عناصر مخالف از آنسوی دیورند می نالد. خندق کنی و سیم خاردار را غیر مشروع می خواند، تشویش دارد که این کار اقوام ساکن دوسوی دیورند را از هم جدا می کند.

امریکا سال های سال قضایای افغانستان را از روزنهٔ پاکستان مطالعه کرد و پاکستان خود را از برکت باجهایی که از غرب و امریکا گرفت در قطار ممالک پیشرفتهٔ دنیا قرار داد و دارای تکنالوژی هسته یی شد. شاید همین عدم دور اندیشی و عدم تعقل ما هم کمکی به ادامهٔ این روند کرد. ما نه از حضور امریکا و غرب درینجا استفاده یی بردیم و نه از عقب نشینی و خروجش. مگر پاکستان از هردو حالتش به نفع خود استفاده کرد.

امروز دعوی میان بزرگان ما بر سر چوکی ها چنان گرم است که گویی اگر مدیری از سوی یکی مقرر شد و دیگری مطلع نبود، قیامت برپا خواهد شد. چون جنگ بر سر ویرانه است و هرکه چنگی بیندازد و لقمه یی دریافت کند، پیروز دوران خواهد بود و اینکه درکشور چه می گذرد و چه مصیبتی بر سر مردم آمده است و خواهد آمد، پروایی نیست!

پاکستان زیرکانه به بازی اش ادامه می دهد. گاهی یک فرد ملکی اش می آید و گاهی یک فرد نظامی اش. دم از صلح و همکاری با دولت افغانستان می زند و زمانی هم جنگ های تحمیلی را خانه جنگی خود افغان ها می خواند و ما با همان نشخوار خوشبینانه، به قهقرا می رویم.

آنچه از مطالعهٔ سرنوشت دیورند در خلال پنجاه سال اخیر بر می آید اینست که، افغانستان هیچگاهی با این وضعیت آشفته یی که دارد، نخواهد توانست بر برخی ازین ساحات تسلط پیدا کند، بلکه بر مصیبت دولت و ملت ما خواهد افزود.

بناءً با چنین واقعیت تلخی که روبرو هستیم، بهتر است دولتمردان با درنظرداشت منافع علیای کشور این جام زهر را سرکشیده وارد معامله شوند. ما راهی به بحر نداریم، ارتباط زمینی ما با کشور هندستان قطع است. این دو مسئله در حیات اقتصادی کشور و مردم ما حیاتی هستند و هردو از طریق پاکستان می گذرد. علاوتاً هرنوع خونریزی و بدبختی هایی که دامنگیر ملت مظلوم و بیچارهٔ ما است از همین سرزمین مایه می گیرد. پس چه می شود تا با همین طرف حقیقی وارد گفتگو شده به حل مشکل خود صادقانه و مجدانه بکوشیم؟ این تصمیم و این فیصله سهل نخواهد بود، اما مشکل تر از آن ادامهٔ وضعی است که همه هستی ما را به تاراج خواهد برد.

و ما علینا الا البلاغ

ترکیه د نوو گواښونو...

په خېر بل گواښ ونگرځي، او له همدې امله یې احتیاطانه دریځ غوره کړی وو.

مگر د ترکیې په سرحدي ښار د داعش وروستي برید ترکیه هم دې ته اړ کړه چې د داعش پر خلاف نور له نرمۍ څخه کار وانخلي او داعش یې هم د کردستان د کارگر گوند په څېر د خپل ځان پر خلاف نوی گواښ وگڼلو. چې په نتیجه کې یې د داعش پر خلاف عملیات پیل کړل او له مخې یې د خپل یو هوایي ډگر څخه امریکا ته د گټې پورته کولو اجازه ورکړه او هم یې پخپله عملیاتو ته زور ورکړ، چې تر پرونه پورې د ترکیې ایف شپاړس الوتکو څو ځلې د داعش او پی. کی. کی مرکزونه بمبار کړل.

د ترکیې لخوا د پي کی کی او داعش پر خلاف یو ډول عملیات ترسره کول د ډېرو لویدیځو هیوادونو لپاره د منلو وړ خبره نده؛ له همدې امله اونۍ وړاندې د المان حکومت، د پي کی کی گوند پر خلاف بریدونه ترسره کول مناسب عمل ونه گڼلو؛ ځکه د المان حکومت د امریکا په څېر د پي کی کی د څو لسیزې مبارزې سره موافقت ښایي، د کومې په نتیجه کې چې د کردستان د کارگر گوند لخوا عملیاتو کې د څلویښت زرو په شاوخوا کې ترکیې وگړي وژل شویدي.

د کردستان د کارگر گوند د کردستان په نوم د یو آزاد دولت رامینځته کولو هڅه کوي چې لامله یې د ترکیې او عراق دواړو هیوادونو څخه د ځینوسیمو آزادیدلو غوښتنه کوي او له کوم مهاله چې په عراق کې د امریکا په برید سره بحران رامینځته شوی دی او د عدالت او پرمختگ گوند په واک کې دی، نو په وروستیو کلونو کې د ترکیې واکمن گوند د کردستان د کارگر گوند پر خلاف مذاکرات پیل کړي وو خو له عراق څخه د امریکایي پوځونو له وتلو سره سم، چې کله عراق عملاً سني، شیعه او کردي عراق ته د ویشل کیدو په لوري روان شو، د ترکیې سره له کردي کارگر گوند څخه ویره نوره هم زیاته شویده.

او په ځانګړي توګه د اردوغان واکمن گوند پر خلاف د کردستان د خلکو گوند سیاسي مخالفت او په ټاکنو کې ورسره رقابت، ددې لامل شوی چې طیب اردوغان ددې ډلې پر خلاف د جوړ جاړي په لیار هم غور وکړي؛ ځکه په هغه کچه چې د ترکیې واکمن گوند د کردستان د خلکو گوند سره د نورو حکومتونو په پرتله، د نرمۍ دریځ نیولی وو په هغه کچه دغه گوند د اردوغان د حکومت سره مرسته ونکړه او له بلې خوا د امریکا او لویدیځې نړۍ لخوا د مسعود بارزاني سره پټې اړیکې ددې لامل شوي دي چې ترکیه پدې ډله ډیر باور ونکړي.

تیره اونۍ د ناټو غړو هیوادونو هم د ترکیې د واکمن رژیم لخوا د داعش سره یوځای د کردستان د کارگر گوند پر خلاف د عملیاتو ترسره کولو په اړه دریځ نیولو لپاره غونډه رابللې وه چې له ترکیې څخه یې د دواړو ډلو ترمینځ توپیر لرلو سیاست غوره کولو غوښتنه وکړه او له بل پلوه د چهارشنبې په ورځ د بارزاني او المان د بهرنیو چارو وزیر فرانکواشتاین مایر ترمینځه تیلفوني خبرو کې پدې اتفاق وشو چې باید د ترکیې له حکومت سره د سولې لیار ونیسي.

المان لدې امله دا دریځ نیسي چې له لویدیځې نړۍ له مینځه یې د ترکیې په وروستي مؤقف عجولانه دریځ پداسې حال کې نیولی وو چې د لومړۍ او دوهمې نړیوالې جگړې په دوران کې د ترکیې له المان سره ودریدل، د المان اخلاقي مسوولیت گرځوي چې باید د ترکیې سره د نورو لویدیځو هیوادونو په پر تله، نږدې اوسي. خو له بلې خوا المان په مختلفو هیوادونو کې د نژاد پرستو خوځښتونو څخه ملاتړ هم کوي او ښایي په ناټو تړون کې د المان او ترکیې د خپل زوړ تاریخ په رڼا کې همغږي هم یوه غوښتنه اوسي. او لدې امله چې د عدالت او پرمختگ گوند د نورو واکمنیو په پرتله، ترکیه د اقتصادي ثبات په لوري روانه کړیده نو اقتصادي ثبات یې ایجابوي چې سیاسي ثبات له لاسه ورنکړي څو د نوي بحران سره په مخامخ کیدو کې د ناټو په تړون کې د همغږو غړو هیوادونو ترمینځه بې باوري رامینځته نشي.

همدارنگه د ترکیې واکمن گوند که څه هم د پرله پسې بحرانونو او ننگونو سره مخ کیږي چې د کور دننه ستونزې او ننگونې یې د لویدیځ او امریکا په اشاره رواني دي، کوښښ کوي چې د داخلي کړکیچ پر خلاف د او د مخالفو سیاسي گوندو لخوا لاریونونو او مخالفت د غلي کولو لپاره دا اوسنی دریځ ونیسي؛ ځکه سیاسي مخالفین یې نشي زغملي چې د خپل کامیاب سیاست سره مټ په راتلونکو احتمالي ټاکنو کې بیا برلاسي ترلاسه کړي. تر معلومه شي چې د طیب اردوغان حکومت له نوي بحران څخه ځان څنگه وباسي؟

نگرشی به جنگ بدخشان...

ادامه از صفحهٔ ۸

تروریستان داخلی و خارجی از این مرزها رفت و آمد می کنند. آقای ادیب مـی گویـد کـه نیروی کافی و تجهیزات لازم برای کنترول مرزها در اختیار ندارند.

بزرگترین پایگاه طالبان در منطقهٔ خُستک ولسوالی جرم موقعیت دارد، دولت در چند سال گذشته موفق به تصرف این منطقه نشده است و طالبان از طریق این دره ولسوالی های وردوج، جرم و یمگان و حتی زیباک را تهدید می کنند.

عوامل داخلی جنگ بدخشان

مسایل قاچاق مواد مخدر، معادن، اختلافات بین وکلای بدخشان در مجلس، بـی توجهـی دولت به فرماندهان جهادی سابق، از مسایل داخلی عوامل نا امنی های بدخـشان بـشمار مـی روند.

مسوولان محلی بدخشان تایید می کنند بیشتر از بیست درصد عواید معادن بدخـشان بـه جیب طالبان می ریزد.

امروز معادن بدخشان عواید سرشاری دارند، از عواید معادن گروه های مسلح غیر مسوول و طالبان تغذیه می شوند، دولت کنترول بر معادن این ولایت ندارد، به طور مثال گل محمد بیدار معاون والی سرپرست بدخشان می گوید که معدن لاجورد بدخشان روزانـه یـک میلیـون دالـر درآمد دارد این درآمد به جیب گروه های مسلح غیر مسوول می ریزد.

مردم بدخشان در نشست هایی که با اشرف غنی رئیس جمهور، داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجراییه و صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه داشتند، یکی از خواسته های شان قانونمند سازی استخراج معادن بود، اما تا حالا عملاً کاری نشده است.

نیروی نا کافی نظامی

مسوولان محلی در بدخشان می گویند که یکی از دلایل پهن شدن دامن نا امـنی هـا در بدخشان، نداشتن نیروی کافی نظامی در این ولایت است.

عبدالله ناجی نظری رئیس شورای ولایتی بدخشان می گوید که تشکیل نیروهای پولیـس بدخشان همان تشکیل سال ۱۳۸۶ است، زمانی که بدخشان امن بـود و در کنـار آن نظامیـان آلمانی در این ولایت مستقر بودند.

پس از افزایش موج نا امنی ها حکومت مرکزی به استقرار یک لوای ارتـش در بدخـشان موافقت کرد، در اوایل گفته شده بود که تا تاریخ ده ماه حمل سال جاری این لـوا در بدخـشان مستقر شود، اما تنها یک فرمانده و رئیس ارکان برای ایـن لـوا در بدخـشان معرفـی شـدند و تشکیلات نظامی آن در بدخشان مستقر نشد و حالا در بدخشان دو کندک اردوی ملـی کـه از سابق در ولسوالی های جرم و وردوج مستقر هستند، دیگر نیروی از ارتش در بدخـشان مـستقر نشده است.

هماهنگی ضعیف و مدیریت نا سالم

با وجودی که گفته می شود شمار نیروهـای مـسلح مـستقر در بدخـشان در تناسـب بـه جغرافیای این ولایت اندک است؛ اما انتقادهای هم از عدم مدیریت سالم ایـن نیروهـا و نبـود هماهنگی در میان نیروهای امنیتی وجود دارد.

نیروهای امنیتی مستقر در بدخشان همیشه کوشیده اند در حالت تدافعی قرار داشته باشـند تا به حملات طالبان جواب بدهند، در حالی که این نیروهای امکانات کافی نظـامی در اختیـار دارند و باید حالت تهاجمی داشته باشند.

عبدالله ناجی نظری رئیس شورای ولایتی بدخشان، می گوید کـه نیروهـای امنیـتی بایـد حالت تهاجمی اختیار کنند و به سراغ طالبان در پناه گاهای آن ها حمله کنند.

نظامیان افغان مستقر در بدخشان هر کدام از مرجع خود دستور می گیرند و فرماندهی واحد وجود ندارد و این مساله باعث شده است از پوتانسیل نظامی مستقر در بدخشان اسـتفادهٔ خـوب صورت نگیرد.

دخالت در کار نظامیان

با وجود همه دشواری ها در نهادهای نظامی بدخشان، یکی هـم دخالـت افـراد زومنـد و وکلای بدخشان در نهادهای نظامی خصوصاً در پولیس ملی و محلی گفته می شود، جنرال بابه جان فرماندهٔ پولیس بدخشان، پس از حادثهٔ آب خُستک، در یک اجتماع فعالان مدنی و بزرگان بدخشان در تالار ادارهٔ امنیت ملی بدخشان، از دخالت برخی افراد و وکلا در کار پـولیس پـرده برداشت و گفت که، تمام افسران و فرماندهان پولیس در ولسوالی ها وابستّه به یکـی از وکلای مردم در مجلس نمایندگان و شورای ولایتی هستند و وقتی یکی از این افـراد را از جایش شور بدهی، یک جنجال بر پا می شود.

او گفته بود: "مسوولان امنیتی را صبح یکی اش تعیین می کند، شام دیگرش تعیین می کند، پولیس در اختیار ما نیست، دست ما کوتاه است و به همین خـاطر نـواقص در پولیس وجود دارد".

همچنان گفته می شود که بخشی از پولیس محلی هم از سوی همین افراد شـامل پروسهٔ پولیس محلی شده اند و به همین خاطر موثریتی در تأمین امنیت نداشته اند.

جنرال بابه جان می گوید که، از این نیروها در مدیریت جنگ استفادهٔ درست کـرده نمی توانند.

عوامل خارجی جنگ بدخشان

به گفتهٔ شاه ولی الله ادیب والی سرپرست در بدخشان، بدخـشان بـه عـنوان یـک منطقهٔ استراتژیک مورد توجهٔ تروریزم بین المللی است و تلاش وجود دارد تـا از طریـق بدخشان به کشورهای آسیای میانه برای جنگ جویان خارجی راه باز شود. آقـای ادیـب می گوید که، در بدخشان سه صد نفر پیکار جویان خارجی نیز در کنار جنگجویان داخلی علیه دولت می جنگند.

اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در سفر اخیرش به بدخشان، گفته بود: "تروریزم بین‌المللی می‌خواهد که بدخشان شرقی را به نقطهٔ خطرناکی بـرای تـمام دنیـا تبدیـل کند". اما هرچه بوده طالبان در بدخشان از اوضاع خوب استفاده کرده اند این گـروه بـا مدیریت جنگجویان شان حالا بستر فعالیت شان را در ولسوالی های مختلـف بدخـشان گسترش داده اند، همین حالا طالبان در جرم، یمگان، کران و منجـان، وردوج، اطـراف بهارک، شهدا، ارغنجخواه، ارگو، تگاب کشم و راغستان عملاً با دولت درگیر هستند. این گروه تبلیغات بسیار سازمان یافته در میان مردم انجـام مـی دهنـد، جوانـان زیـادی در بدخشان بیکار هستند و جذب این گروه می شوند.

از سویی هم فساد در ادارات محلی، زورگویی برخی از حامیان دولت، بی کفایتی در رهبری دولت در سطح محل در بدخشان، عملیات های مقطع ای و بی تاثیر بر طالبـان، همه و همه به تقویت جبههٔ طالبان در بدخشان کمک کرده است.

حالا معمای نا امنی های بدخشان به یک تصمیم وسیع دولت مرکزی گـره خـورده است، اگر دولت مرکزی یک عملیات گسترده همزمان در چندین ولسوالی بدخشان انجام ندهد و از قوای هوایی و زمینی و قوای خاص وکماندو استفاده نکند، بازگشت امنیت بـه بدخشان محال است.

جنگ بدخشان به زندگی مردم فقیر این ولایت تاثیرات بس ناگواری دارد، سـاکنان بسیاری از مناطق جنگ زدهٔ بدخشان، در زیر خط فقر گیر آمـده انـد، بنـدش راه هـای مواصلاتی ارزش مواد غذایی را در بسیاری از ولسوالی های بدخشان، چند برابر افزایـش داده است، مردم به کار زراعت و دهقانی شان رسیدگی درست نمی توانند.

برخی از موسساتی که خدمات عام المنفعه داشتند، دفاتر شان را بـسته انـد، پـروژه های انکشافی به طور قابل ملاحظه کاهش یافته است، پروژه های زیربنـایی بـا تهدیـد توقف روبرو هستند، مثلاً پروژهٔ بند برق شورابک که از سوی کشور جرمنی تمویـل مـی شود، چندی قبل متوقف شد، اما با دخالت بزرگان بدخشان دوباره کار آن از سـر گرفتـه شد، پروژهٔ سرک بهارک فیض آباد، همچنان با خطر روبرواست، پروژهٔ سـرک بهـارک-اشکاشم که در مرحلهٔ تدارک است و از وردوج می گذرد، تطبیق آن دشوار به نظـر مـی رسد.

مردم در بدخشان با دلهره و تشویش زندگی می کنند و کسی نمی داند کـه آینـدهٔ بدخشان به کجا می رود، گسترش روز افزون فعالیت طالبان و بی توجهی دولت به ایـن مسئله، فضای نا امیدی را در میان مردم در بدخشان تقویت کرده است.

باشنده گان بدخشان نگرانی های شان را با هـردو رهـبر حکومـت وحـدت ملـی، فرماندهان ارتش، نماینده گان مردم در مجلس مطرح کردند اما کاری نشد، آخرین امیـد شان سفر صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه به بدخشان بود، وی طی دیدارش با مردم، نگرانی های مردم را شنید و گفت که نمی گذاریم بدخشان نادیده گرفته شود.

آیا توافق...

استراتیژیکی که دارا می باشد، بهره برداری کند.

۷- افغانستان با استفاده از فضای بـه وجود آمـده مـی توانـد، دولت ایـران را تشویق به ساخت راه آهن در اکـثر نقـاط کشور نماید.

۸- دولت افغانستان در صورت بهبود روابط با هندوستان می توانـد در سـاخت بندر چابهار سهولت های خوبی را از لحاظ تجارتی و اقتصادی و جلب سرمایه گذاری خصوصی را بوجود آورد.

تبعات منفی آنـرا بـه صـورت اجمالی ذیلاً می توان برشمرد:

۱- ایـن تفـاهم نامـه از اهمیـت اسـتراتیژیک افغانـستان بعنـوان همکـار استراتیژیک امریکا در بلند مدت می کاهد. کـاهش اهمیـت افغانـستان، بـه معنـای کاهش حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی است.

۲- افغانستان در تعامل اسـتراتیژیک خود تلاش کرد. تا با پاکستان و عربستان همکاری تنگاتنگ داشته باشد، نزدیکی دولت افغانستان بـا عربـستان و موضـع گیری افغانستان در بحران یمن، کشور مـا را به ضلع عربی خاور میانه مبدل ساخته، و این نزدیکی سران حکومت وحدت ملـی تلاش داشتند تا با حمایت های سیاسی و مالی از عربستان، منافع ملی افغانـستان را افزایش دهند، چیزی که برآورده نشد؛ بـه این دلیل رهـبران آل سـعود بـه سـران حکومت وحدت ملی را از دیدگاه غربی ها نگریسته و آنها بیشتر به دنبـال گـسترش ایدیولوژی خویش در منطقه می باشند. به این راحتی ها رهبران حکومت افغانـستان نخواهند توانست دیدگاه های آل سعود را نسبت به جریان طالبان و داعش بـه نفـع صلح و ثبات در افغانستان تغییر دهند.

نتیجه گیری:

با توجه به سـوابق امـر و همچنیـن عنایت به اوضاع و شرایط موجود، رویکرد جدید نظم نوین منطقه مشتمل بـر بهـره گـیری از ظرفیـت و پُتانـسیل قـدرت و تاثیرگذار از کشور های مهـم منطقـه بـه عنوان یک آلترنـاتیف برتـر عملگـرا مـی تواند، ضمن مقابله با خواسته های افراطی و غیر قابل قبول اکثر کشور های منطقه و فرامنطقه، همکاری مناسب در قالب ایجاد ثبات، امنیت پایدار برای عبور از بحـران های موجود منطقه با تکیه بر اشتراکات و اجتنـاب از برجـسته سـازی افتراقـات، وضعیت جدید را در منطقـه بـرای تامیـن منافع همگانی ترسیم و دنبال کرد.

پیام صلاح الدین ربانی ...

و با گذشت هـر روز، در بیـن مـردمش، بیشتر از پیش می درخـشید، امـا دشـمنان مردم، نتوانـستند حـضور و درخـشش او را تحمل کنند و با زیر پا گذاشتن همه اصـول و ارزش های اسلامی، او را در روز عید سال پار به شهادت رساندند.

یک بار دیگر از بارگاه ایزد متعـال بـرای مرحومی بهشت بـرین و بـه بازمانـدگان و دوستانش، توفیق کار و تلاش در راه آرزوها و اهداف مردمی اش، استدعا دارم.

***

همچنان بدین مناسـبت، در قـسمتی از پیام کلیم الله نقیبی معاون جمعیت اسـلامی افغانستان، آمده است:

تېر کال د اسد د میاشتي په ۷ نیته په کندهار کي زما نږدې دوست، قومي مشر، تکړه مبارز او د غریبو خواخوږی شهید حشمت خان کرزی په یو ناخوانمردانه برید کي په خپل کور کي د ناخوانه دښمن لخوا په شهادت ورسیدی.

شهید حشمت خان کرزي د ټول هیواد بالخصوص دکندهار د ابادی لپاره ډیر پلانونه درلودلل او په مغزو کي یی د ملي یوالي فکرونه پالل، خو بدبختانه چي د زماني ناخوالو دې ته پرېښود چي خپلي هیلي پوره ووینې. زه د هغه درنې کورنی، دوستانو او پلویانو ته د لوی خدای (ج) د درباره جمیل صبر غواړم او شهید ته جنت فردوس.

د هیواد امنیتي وضعیت ورځ تر بلې...

جوت هم شو ؛ لکه د میدان وردگو په ولایت کې د جلریز په سیمه کې او هم پـه فاریـاب، سرپل او بغلان ولایتونو کې. همدارنګه د ناقانونه وسله والو شتون لکه چې د دولـتي امنیـتي ارګانونو لپاره ګواښ دی او د دوی د ناسم چلند او ظلمونو لامله د خلکو او دولت ترمینځه واټن پیدا کوي، په همدې توګه د نا مناسب رقابت او عامو خلکو څخه د ډېرو لیرې کولو لامـل هم ګرځـي. لکه چې لـه همدې امله یوه اونۍ وړاندې په بدخشان کـې د دوه وو قوماندانانو ترمینځه جګړه او پـه یو کـان باندې د دوی سیالي ددې لامل شوه چې له یو بل لورې څخه ووژني او له ټولو بده پیښه یې د بغـلان په ولایت کې دوه ورځې وړاندې رامینځته شوه چې پـه یو واده کـې د دوه وو حریفو قومانـدانانو د پلویانو ترمینځه د ډزو په تبادله کې تر شلو زیات واده کې موجود خلک ووژل شو او تر لـسو پکـې ټپیان شو او د واده مراسم یې په یو ټولنیز ویر بدل کړ.

دا ټولې هغه بیلګې دي چې د دولت په مختلفو ولایتونو کې کنترول نـه لـرل. پـه ګوتـه کوي او چې کله دولت د خلکو د امنیت په ساتلو کې پاتې راشي نو ولس هم پداسې دولت او حکومـت بـاور له لاسه ورکوي او د وسله والو مـ الفینو په وړاندې ددې پر ځای چې مانع یې واقع شي. لا د وسـله والو مخالفینو سره مرسته کوي او پدې ترتیب دولت په ولـسوالیو کې حاکمیت لـه لاسـه ورکـوي او سیمې یوه د بل پسې طالبانو ته پرېږدي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ هجدهم ۱۰ اسد ۱۳۹۴ ۱۵ شوال المکرم ۱۴۳۶ 1 August 2015



...دیده شود چه می شود؟

نگرشی به جنگ بدخشان و تحولات اخیر آن

هما شایق

میدان جنگ بدخشان تحولات بی سابقه را تجربه می کند، تسلیم شدن گروهی سربازان و تحویل دادن امکانات نظامی وسیع دولت به طالبان، یک تحول بی سابقه در میدان نبرد بدخشان است.

در تیرگران وردوج، منطقه ای که استراتژیک خوانده می شود، ۱۰۷ منسوب امنیتی با دار و دستهٔ نظامی شان به طالبان تسلیم شدند. در مورد این ماجرا، دیدگاه ها و حرف ها و حدیث های متفاوتی گفته می شود.

این تسلیم شدن گروهی با سازش یا به دلیل نرسیدن کمک های عاجل هوایی و زمینی از روی ناگزیری، هرچه باشد، مبهم و کلافه است و خالی از رمزها و رازها نیست!

برخی ها را باور به این است که این سربازان بعد از سه روز مقاومت و تنگ شدن حلقهٔ محاصره و نرسیدن کمک های لازم، مجبور شدند به طالبان تسلیم شوند، اما برخی از منابع دولتی می گویند که این افراد براساس یک سازش به طالبان تسلیم شدند.

عبدالله ناجی نظری، رئیس شورای ولایتی بدخشان می گوید که این سربازان در کمال ناگزیری و از روی مجبوریت به طالبان تسلیم شدند، او می گوید که به فریادهای سربازان برای کمک رسانی، دستی بلند نشد و سربازان مجبور شدند که به طالبان تسلیم شوند.

اما جنرال بابه جان فرماندهٔ امنیهٔ بدخشان تسلیم شدن این سربازان را ننگین خوانده و گفته است که سربازان تجهیزات کافی، مواد لازم لوژستگی در اختیار داشتند و نباید به این زودی تسلیم می شدند. گفته می شود که این سربازان اگر سه ماه مقاومت می کردند، امکانات نظامی در اختیار شان قرار داشت. فرماندهٔ پولیس بدخشان همچنان گفته است که در این منطقه سنگرهای بسیار مستحکم با مواضع سرپوشیده، خندق های ارتباط و بلنداژهای مستحکم موجود بود، اما معامله صورت گرفت و این همه امکانات تحویل طالبان شد.

شاه ولی الله ادیب سرپرست ادارهٔ ولایت بدخشان می گوید که، دوامدار با فرماندهان نظامی در منطقه در ارتباط بوده است، او می گوید که فرمانده جلال کسی که مسوولیت فرماندهی پولیس محلی را داشت در تحویل دهی سربازان و تجهیزات جنگی دولت به طالبان نقش داشته است.

به گفتهٔ وی، جلال وقتی با طالبان یکجا شد طالبان به گردن او گُل آویختند و بعد او به سنگر قوای سرحدی در منطقهٔ قلعهٔ تیرگران رفته و زمینهٔ پیوستن قوای سرحدی به طالبان را فراهم کرده است. آقای ادیب گفته است که والی نام نهاد طالبان در بدخشان از همین منطقه است و فرمانده جلال در اقدام قومی با طالبان سازش کرده است.

نزده تن از سربازان پولیس محلی از منطقه فرار کرده و به ولسوالی زیباک رفته و از آنجا به فیض آباد منتقل شده اند، این سربازان هم فرماندهٔ پولیس محلی را مقصر اصلی در تسلیم شدن سربازان قلمداد کرده اند.

در بدخشان ناظران اوضاع می گویند که سربازان برای حفظ جان شان، کار خوب کردند که به طالبان یکجا شوند، آن ها والی، فرماندهٔ پولیس، مقام های نهادهای نظامی در مرکز را مقصر می دانند.

اما والی سرپرست ولایت بدخشان می گوید که، در جریان محاصرهٔ پوسته های نظامیان افغان از سوی طالبان تلاش صورت گرفت تا قوای خاص پولیس در منطقه پیاده شوند، اما به اثر خراب بودن اوضاع جوی چرخبال های ارتش این ماموریت را انجام داده نتوانستند.

وزارت های دفاع ملی و امور داخله گفته اند که چگونگی این حادثه را با جزئیات بررسی می کنند.

حالا در بدخشان نگرانی این است که، طالبان با بدست گرفتن تجهیزات نظامی از پایگاه تیرگران می توانند آتش جنگ را در دیگر مناطق بدخشان و خود وردوج بیشتر مشتعل سازند. تصرف چندین میل سلاح دهشکه، هاوان، راکت های ایس پی جی ناین، انباری از مهمات، طالبان را به یک نیروی مجهز ضد دولت در بدخشان تبدیل کرد. طالبان از این سلاح برای نا امن سازی سایر مناطق بدخشان استفاده خواهند کرد. اگر نیروهای نظامی از کنار این مساله بی پروا بگذرند، به یقین که طالبان با این سلاح و مهمات ولسوالی های دیگر بدخشان را تهدید خواهند کرد. چنانکه طالبان با سلاح ها و مهماتی که از پایگاه آب خُستک بدست آورده بودند، توانستند بخش های مهم از ولسوالی وردوج را تصرف کنند، وسایط سلاح های نیروهای امنیتی را بدست بیاورند و یمگان را نیز سقوط دادند. چنانکه در سقوط یمگان از زرهپوش های ارتش، طالبان خوب استفاده کرده بودند، حالا با تصرف این همه امکانات نظامی امنیت چند ولسوالی دیگر بدخشان به خطر جدی روبروست.

دولت حالا قوای خاص پولیس را از طریق چرخبال در ولسوالی زیباک پیاده کرده است، منطقه ای که بعد از سقوط تیرگران بیشتر آسیب پذیر شده است.

تصرف بیز تیرگران و تسلیم شدن ۱۰۷ نفر سرباز تا دندان مسلح به طالبان، می تواند یک حربهٔ تبلیغاتی بسیار خطرناک برای طالبان باشد و این مسئله می تواند زمینهٔ سربازگیری را در میان نسل جوان نا آگاه مناطق تحت کنترول طالبان فراهم کند.

اما چرا در بدخشان این همه حوادث اتفاق می افتد و دولت مرکزی و نظامیان افغان از کنار آن به آسانی می گذرند؟ چرا فاجعه در بدخشان هر بار تکرار می شود، گفته می شود تا حالا هر باری که نظامیان افغان در بدخشان تلفات دیده و تجهیزات شان به دست دشمن افتاده است، افرادی از داخل این نیروها با طالبان سازش کرده اند، اما چرا هیچ سازش گر محاکمه، و نیروهای کشفی در پی افشا و خنثی سازی آن نمی شوند.

تصرف منطقهٔ تیرگران و بخش بزرگی از ولسوالی وردوج، زمینه را برای طالبان فراهم می کند که به آسانی به بندر توپخانه دسترسی بیابند و از آن طریق به پاکستان رفت و آمد کنند.

دروازه های بی پاسبان

گفته می شود که طالبان از طریق بندر توپخانه و شاه سلیم به پاکستان رفت و آمد می کنند، مسوولان محلی بدخشان هم تایید می کنند که توان کنترول مرزهای بدخشان را ندارند.

والی بدخشان می گوید که، مرزهای طولانی این ولایت باز است و روزانه ص۷

ترکیه د نوو گوابنونو په وړاندې

شفیق

وروسته لدې چې په ترکیه کې د ولسمشرۍ ټاکنو کومه غوڅه پایله ونلرله؛ ځکه د عدالت او پرمختګ واکمن ګوند د تېر په څېر اکثریت حاصل نکړاې شو نو، واکمن ګوند وپتیله چې نورو ګوندونو سره د شریک حکومت لپاره جوړ جاړی وکړي. خو تر دا مهاله د جوړ جاړي دغه هڅې هم بریالیتوب ته ندي رسیدلي او له همدې امله ښايي په ترکیه کې له وخته مخکې یو ځل بیا ټاکنې ترسره شي.

ددغو هڅو په دوران کې ترکیه د نورو ګوابنونو سره هم مخ شوه؛ یوه نیمه اونۍ وړاندې د ترکیې له سوریې سره په پروت یو سرحدي ښار کې د یو ځانمرګي برید په نتیجه کې د دیرشو په شاوخوا کې د ترکیې امنیتي ځواکونه او ملکي وګړي ووژل شو او هم دې ته ورته نورې هڅې جوتې شوې؛ چې د پلټنو په نتیجه کې د ترکیې واکمن رژیم دې نتیجې ته ورسیده چې د ترکیې په سرحدي ښار کې ترسره شوی چاودنه اسلامي دولت (داعش) ته منسوب یو تن ترسره کړېوه. نو هماغه وو چې ترکیه یې په پایله کې د اسلامي دولت (داعش) د پلویانو پسې لټون ته اړ کړه او ګن کسان یې د داعش د ډلې سره په تړاو ونیول.

ترکیه چې د ناټو تړون له غړو څخه یوائینې اسلامي هیواد دی، نږدې یو کال دمخه هم د داعش پر خلاف د امریکا لخوا ملګرتیا ته بلل شوې وه، هغه مهال یې یوائې پدې اکتفاء کړېوه چې د سوریې د کوباني ښار دننه د داعش جنګیالیو سره جګړې لپاره د کردستان یو نیم سل جنګیالیو ته د خپلې خاورې له لیارې تنوتلو اجازه ورکړي. مګر د امریکا سره د داعش د جنګیالیو په ځپلو کې ګډون یې پدې مشروط وګرځولو چې باید د سوریې د واکمن مستبد رژیم پر خلاف هم، په ورته ډول عملیات ترسره شي او له همدې امله د سوریې د هغه آزاد پوځ په روزنه او سمبالښت کې امریکا له ترکیې سره هغه مهال همغږې شوه چې نږدې یوه نیمه میاشت وړاندې په ترکیه کې د ناټو غړو هیوادونو لخوا جوړ شوي کنفرانس کې له ترکیې څخه د داعش په ځپلو کې مرسته غوښتل شوې وه. خو ترکیې تر دا مهاله د داعش پر خلاف عملیاتو لپاره لدې امله زړه نه ښه کولو چې ترکیې ته داعش د کردستان د کارګر ګوند ۶مخ

ابراز تأسف در تأخیر صلح

در اعلامیه مطبوعاتی مورخ ۸ اسد وزارت امور خارجهٔ کشور در پیوند به تأخیر دومین نشست رسمی مذاکرات صلح با گروه طالبان، که قرار بود بتاریخ ۹ اسد ۱۳۹۴ خورشیدی در جمهوری اسلامی پاکستان برگزار گردد، ابراز تأسف شده است.

در اعلامیه گفته شده: جمهوری اسلامی افغانستان مثل همیشه، به ادامهٔ نشست های رسمی مذاکرات صلح با گروه طالبان متعهد بوده و امیدوار است که نشست یاد شده در آیندهٔ نزدیک تدویر یابد.

در این آعلامیه آمده است: جمهوری اسلامی افغانستان باور دارد که در وضعیت کنونی، زمینهٔ مذاکرات صلح بیشتر از هر زمان دیگر مساعد است، لذا از همه طرف ها می خواهد که برای به ثمر نشستن تلاش های صلح جمهوری اسلامی افغانستان، همکاری صادقانه نمایند.